

The Discursive Role of the Clergy in Promoting Political Ethics: An Analysis of Ayatollah Khamenei's Thought

Mahmoud Fallah¹, Hassan Amanzadeh²

¹ Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran (**Corresponding author**). m.fallah@isca.ac.ir

² Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
Hassan.amanzadeh70@gmail.com

Abstract

This study examines the pivotal and strategic role of the clerical institution in constructing and promoting the discourse of “political ethics” from the perspective of Ayatollah Khamenei’s thought. The central research question addresses what functions, requirements, and responsibilities the clergy, as socio-political actors, hold in transforming Islamic-ethical norms into a dominant political culture and public demand. The study argues that, according to Ayatollah Khamenei, political ethics is not merely a set of individual recommendations but a purposeful discursive project aimed at cultural engineering and consolidating the value foundations of the Islamic system, wherein the clergy operate not only as religious authorities but as principal drivers and engineers of this process. The clerical institution’s centrality stems from its symbolic capital (religious authority) and social capital (networked connections with the populace), providing an unparalleled capacity to translate abstract religious concepts into practical norms and public beliefs. Employing a descriptive-analytical methodology through content analysis of Ayatollah Khamenei’s statements, speeches, and writings, the study operationalizes three key concepts: “clergy,” not merely as a religious class but as institutional and strategic actors with defined political roles; “political ethics,” as a discursive project for internalizing religious norms within political culture; and “discursive construction,” as a deliberate and purposeful process of transforming an idea into a widely accepted belief and public demand—concepts aligned with theoretical notions of power in Foucault and hegemony in Laclau and Mouffe. Findings indicate that, from Ayatollah Khamenei’s perspective, the clergy’s success in this discursive project depends on a set of interconnected prerequisites. The first and most fundamental prerequisite is behavioral modeling, whereby clerics must embody political ethics in practice. Commitment to simplicity, justice, and political piety legitimizes their discourse and generates the symbolic capital necessary for influence; without it, efforts to promote ethics are ineffective or even counterproductive. The second prerequisite is clarification and “jihad of explanation,” whereby the clergy, as the “heirs of the prophets,” are obliged to communicate political ethics in a language appropriate to contemporary needs and audiences, emphasizing vital discourses such as justice and Islamic lifestyle to mobilize society for practical realization of values, free from partisan biases and guided by political insight. The third prerequisite is perseverance and intelligent repetition of the discourse, ensuring that key concepts are continuously reinforced in the public consciousness and elevated from ideas to

Cite this article: Fallah, M. & Amanzadeh, H. (2025). The Discursive Role of the Clergy in Promoting Political Ethics: An Analysis of Ayatollah Khamenei’s Thought. *Iranian Political Research*, 12(2), p. 73-90.

Received: 2025/01/26 ; **Received in revised form:** 2025/03/17 ; **Accepted:** 2025/05/05 ; **Published online:** 2025/07/11

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



“public demands” that compel officials to act. The fourth prerequisite is performing oversight and political guidance, manifested in the religious obligation of enjoining good and forbidding wrong, operationalized both at the public level (societal guidance) and specific level (monitoring officials’ performance), using media platforms such as sermons to act as the society’s vigilant conscience and prevent deviations. Finally, the fifth prerequisite is responsiveness to contemporary needs, transforming the discourse from abstraction into practical solutions to ethical-political challenges and societal “ailments,” whereby the clergy, like skilled physicians, diagnose societal problems and propose effective solutions, making the discourse a life-giving project for society. In Ayatollah Khamenei’s view, the clergy are not merely moral preachers but cultural engineers and political leaders, responsible for constructing, promoting, and institutionalizing political ethics through a multi-stage model (modeling, explanation, perseverance and oversight, and responsiveness). This analysis, emphasizing the clergy’s institutional agency, fills a gap in the literature and demonstrates that the success or failure of this institution directly affects the legitimacy, efficiency, and ethical sustainability of the political system in the Islamic society. Understanding this model provides a new lens for analyzing the dynamics among religion, ethics, and power in contemporary Iran.

Keywords: Political Ethics, Discursive Construction, Clergy, Ayatollah Khamenei, Religious-Political Leadership.

نقش گفتمانی روحانیت در ترویج اخلاق سیاسی: تحلیلی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

محمود فلاح^۱، حسن امان‌زاده^۲

^۱ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). m.fallah@isca.ac.ir

^۲ گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. Hassan.amanzadeh70@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش محوری و استراتژیک نهاد روحانیت در برساختن و ترویج گفتمان «اخلاق سیاسی» از منظر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تدوین شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی است که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، روحانیت به عنوان یک کنشگر اجتماعی-سیاسی، چه کاربدها، الزامات و مسئولیت‌هایی در فرایند تبدیل هنجارهای اخلاقی-اسلامی به یک فرهنگ سیاسی مسلط و مطالبه عمومی برعهده دارد؟ این پژوهش استدلال می‌کند که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اخلاق سیاسی صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های فردی نیست، بلکه یک پروژه گفتمانی هدفمند برای مهندسی فرهنگی و تحکیم بنیان‌های ارزشی نظام اسلامی است که در آن، روحانیت نه تنها به عنوان یک مرجع دینی، بلکه به مثابه عامل پیشران و مهندس اصلی این فرایند عمل می‌کند. جایگاه محوری این نهاد از سرمایه نمادین (مرجعیت دینی) و سرمایه اجتماعی (شبکه ارتباطی با توده‌ها) آن نشأت می‌گیرد که ظرفیت بی‌بدیلی برای تبدیل مفاهیم انتزاعی دینی به قواعد عملی و باورهای عمومی فراهم می‌آورد. برای تحقق این هدف، پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و با تحلیل محتوای بیانات، سخنرانی‌ها و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای، به تبیین ابعاد این نقش‌آفرینی می‌پردازد. چارچوب مفهومی تحقیق بر عملیاتی‌سازی سه واژه کلیدی استوار است: «روحانیت» نه به عنوان یک قشر مذهبی صرف، بلکه به مثابه یک کنشگر نهادی و استراتژیک با هویت صنفی و کاربزه سیاسی مشخص؛ «اخلاق سیاسی» به عنوان یک پروژه گفتمانی برای درونی‌سازی هنجارهای دینی در فرهنگ سیاسی؛ و «گفتمان‌سازی» به مثابه یک فرایند آگاهانه و هدفمند برای تبدیل یک ایده به یک باور رایج و مطالبه همگانی، که این برداشت عملیاتی با مفاهیم نظری قدرت در اندیشه فوکو و هژمونی در نظریه لاکلا و موفه همسو است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، موفقیت روحانیت در این پروژه گفتمانی منوط به تحقق مجموعه‌ای از بایسته‌های به هم پیوسته است. نخستین و بنیادین‌ترین بایسته، الگوسازی رفتاری است؛ به این معنا که روحانیون باید پیش از همه، خود تجسم عملی اخلاق سیاسی باشند. التزام به ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی و تقوای سیاسی، به گفتمان آن‌ها

استناد به این مقاله: فلاح، محمود؛ امان‌زاده، حسن (۱۴۰۴). نقش گفتمانی روحانیت در ترویج اخلاق سیاسی: تحلیلی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۲(۲)، ص ۷۳-۹۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



اعتبار می‌بخشد و سرمایه نمادین لازم برای تأثیرگذاری را فراهم می‌آورد؛ در غیر این صورت، هرگونه تلاشی برای ترویج اخلاق، بی‌اثر و حتی مخرب خواهد بود. بایسته دوم، روشنگری و «جهاد تبیین» است. روحانیت به عنوان «ورثه انبیاء»، موظف است با زبانی متناسب با نیازهای زمانه و مخاطب، آموزه‌های اخلاق سیاسی را تبیین کرده و با تمرکز بر گفتمان‌های حیاتی مانند عدالت و سبک زندگی اسلامی، جامعه را برای تحقق عملی ارزش‌ها بسیج کند. این تبیین باید فارغ از تعصبات جناحی و با بصیرت سیاسی صورت گیرد تا بتواند به یک حرکت اجتماعی مؤثر تبدیل شود. سومین بایسته، استقامت و تکرار هوشمندانه گفتمان است. در میدان رقابت گفتمانی، صرف بیان یک ایده کافی نیست. روحانیت باید با تکرار مداوم و در عین حال تبیین‌گر و خلاقانه، مفاهیم کلیدی را در ذهن جامعه زنده نگه دارد، تا این مفاهیم از سطح یک ایده به یک «مطالبه عمومی» ارتقاء یابند و مسئولان را به اقدام وادار کنند. چهارمین بایسته، ایفای نقش نظارت و ارشاد سیاسی است که در فریضه امر به معروف و نهی از منکر تجلی می‌یابد. این نظارت در دو سطح عمومی (هدایت جامعه) و خاص (رصد عملکرد کارگزاران) تعریف می‌شود و روحانیت موظف است با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای خود مانند منبر، به عنوان وجدان بیدار جامعه عمل کرده و از انحرافات جلوگیری نماید. نهایتاً، بایسته پنجم، پاسخگویی به نیازهای زمانه است. گفتمان اخلاق سیاسی باید از حالت انتزاعی خارج شده و به یک پاسخ عملی به چالش‌ها و «بیماری‌های» اخلاقی - سیاسی جامعه تبدیل شود. روحانیت باید همچون «طبیعی حاذق»، دردها را تشخیص داده و راه‌حل‌های متناسب و کارآمد ارائه دهد تا گفتمان خود را به پروژه‌های حیات‌بخش برای جامعه بدل سازد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، روحانیت صرفاً یک واعظ اخلاقی نیست، بلکه یک مهندس فرهنگی و راهبر سیاسی است که مسئولیت خطیر برساختن، ترویج و تثبیت گفتمان اخلاق سیاسی را از طریق یک مدل چندمرحله‌ای (الگوسازی، تبیین، استقامت و نظارت، و پاسخگویی) برعهده دارد. این تحلیل با تمرکز بر عاملیت نهادی روحانیت، شکاف موجود در ادبیات پژوهشی را پر کرده و روشن می‌سازد که موفقیت یا شکست این نهاد در ایفای این نقش، تأثیری مستقیمی بر مشروعیت، کارآمدی و پایداری اخلاقی نظام سیاسی در جامعه اسلامی دارد و درک این مدل، دریچه‌ای نو برای فهم پویایی‌های رابطه میان نهاد دین، اخلاق و قدرت در ایران معاصر می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: اخلاق سیاسی، گفتمان‌سازی، روحانیت، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری دینی - سیاسی.

۱. مقدمه

در منظومه فکری نظام اسلامی، پیوند میان «اخلاق» و «سیاست» از اهمیتی راهبردی برخوردار است. مشروعیت و پایداری این نظام نه تنها به کارآمدی ساختاری، بلکه به توانایی آن در نهادینه سازی ارزش های بنیادین خود در فرهنگ سیاسی جامعه وابسته است. در این میان، «گفتمان سازی» به مثابه فرآیندی برای تولید و ترویج یک چارچوب معنایی مشخص، به ابزار اصلی برای تحقق این هدف بدل می شود. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نظام سیاسی اسلامی، نمونه برجسته ای از این پدیده است که در آن، «اخلاق سیاسی» به یکی از مؤلفه های اصلی گفتمان حاکم تبدیل شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر اندیشه آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، این پرسش محوری را مطرح می سازد که «روحانیت» به عنوان یک نهاد، چه نقشی در برساختن و پیشبرد گفتمان اخلاق سیاسی ایفا می کند؟ پژوهش حاضر استدلال می کند که از منظر ایشان، اخلاق سیاسی صرفاً مجموعه ای از توصیه های اخلاقی فردی نیست؛ بلکه یک پروژه گفتمانی استراتژیک برای تحکیم مبانی ارزشی نظام و هدایت کنش های سیاسی در چارچوب اسلام است. در این فرآیند، «روحانیت» نه تنها به عنوان یک مفسر دینی، بلکه به مثابه کنشگر اصلی و عامل پیشران این گفتمان معرفی می شود. این جایگاه محوری از آنجا ناشی می شود که روحانیت، به تعبیر مقام معظم رهبری، به سبب برخورداری از «حجّیت» دینی و جایگاه مرجعیت در جامعه، دارای سرمایه نمادین و نهادی لازم برای تبدیل هنجارهای انتزاعی دینی به قواعد عملی و قابل فهم برای کارگزاران و توده های مردم است. از این رو، پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و با واکاوی بیانات و آثار مقام معظم رهبری، به تبیین ابعاد و بایسته های این نقش آفرینی می پردازد. در این پژوهش نشان داده خواهد شد که چگونه روحانیت از طریق کارویژه هایی چون الگوسازی رفتاری، تبیین و روشننگری، نظارت و ارشاد، و پاسخگویی به نیازهای اخلاقی جامعه، مأموریت شکل دهی به این گفتمان را برعهده می گیرد. در نهایت، این تحلیل روشن می سازد که گفتمان اخلاق سیاسی در اندیشه ایشان، ابزاری برای اخلاقی سازی سیاست و در عین حال، سیاسی سازی اخلاق به منظور حفظ و تقویت هویت ایدئولوژیک نظام سیاسی اسلام است.

۲. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر را می توان در سه حوزه اصلی دسته بندی کرد. با بررسی این سه حوزه، شکاف تحقیقاتی که این پژوهش قصد پر کردن آن را دارد، روشن تر می شود.

حوزه اول. اخلاق سیاسی در اندیشه اسلامی و انقلابی: در این زمینه، آثار متعددی به تبیین اصول و مبانی اخلاق سیاسی از منظر اسلام پرداخته اند. آثاری چون اخلاق سیاستمداری (بهریزی لک،

۱۳۹۲؛ و پژوهش‌هایی در مورد اخلاق سیاسی در قرآن و روایات (شریفی، ۱۳۹۰)؛ «صحیفه سجادیه» (توحیدیان، ۱۳۸۹)، به مبانی هنجاری و نظری این حوزه توجه کرده‌اند. این گروه از آثار، هرچند بنیان‌های ارزشی اخلاق سیاسی را روشن می‌سازند؛ اما به فرآیند اجتماعی و سیاسی گفتمان‌سازی این ارزش‌ها و نقش کنشگران اصلی آن کمتر پرداخته‌اند.

حوزه دوم. گفتمان‌شناسی سیاسی در ایران: پژوهش‌هایی مانند اخلاق سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی (مهاجرنیا، ۱۳۹۴) و اخلاق و سیاست در گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (مستوفی، ۱۳۹۸)، به تحلیل گفتمانی پرداخته‌اند. این تحقیقات عمدتاً بر تحلیل محتوای گفتمان‌ها و عناصر سازنده آنها متمرکز بوده و به نقش‌آفرینی نهادها و کنشگران خاص در شکل‌دهی به این گفتمان‌ها توجه کمتری دارند. به عبارت دیگر، این پژوهش‌ها بیشتر به «چه چیزی گفته می‌شود» پرداخته‌اند تا «چه کسی و چگونه آن را می‌گوید».

حوزه سوم. بایسته‌های اخلاقی کارگزاران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای: آثاری نظیر بایستگی‌های اخلاقی سیاسی از منظر مقام معظم رهبری (بابایی، ۱۳۹۴)، به تبیین ویژگی‌های اخلاقی مطلوب برای همه کنشگران سیاسی (اعم از روحانی و غیرروحانی) از منظر ایشان می‌پردازند. این دسته از تحقیقات، هرچند به اندیشه مقام معظم رهبری نزدیک می‌شوند؛ اما نقش نهادی و استراتژیک روحانیت به عنوان یک گروه اجتماعی خاص و پیشران در فرآیند گفتمان‌سازی را به صورت مستقل و محوری مورد واکاوی قرار نمی‌دهند.

نواوری این پژوهش در نقطه تلاقی این سه حوزه قرار دارد. در حالی که پژوهش‌های پیشین یا به تبیین هنجاری اخلاق سیاسی، یا به تحلیل کلی گفتمان، و یا به بایسته‌های عمومی کارگزاران پرداخته‌اند؛ این پژوهش به صورت مشخص بر عاملیت نهاد روحانیت در فرآیند گفتمان‌سازی اخلاق سیاسی از منظر اندیشه مقام معظم رهبری تمرکز دارد. به عبارت دیگر، این تحقیق با پیوند دادن سه مفهوم کلیدی اخلاق سیاسی، گفتمان‌سازی و نقش روحانیت، شکاف موجود در ادبیات پژوهشی را پر کرده و تحلیلی نو از جایگاه و کارویژه این نهاد در مهندسی فرهنگ سیاسی جامعه اسلامی ارائه می‌دهد.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

برای تحلیل دقیق موضوع، ابتدا باید مفاهیم کلیدی این پژوهش یعنی «روحانیت»، «اخلاق سیاسی» و «گفتمان‌سازی» را در چارچوبی منسجم تعریف و عملیاتی کرد. این چارچوب، مبنای تحلیل‌های بعدی پژوهش خواهد بود.

۳-۱. مفهوم پردازی «روحانیت» به مثابه یک کنشگر سیاسی

برای تحلیل نقش روحانیت در گفتمان اخلاق سیاسی، ابتدا باید به یک تعریف عملیاتی و دقیق از این مفهوم دست یافت. هرچند ریشه لغوی واژه «روحانیت» به «روح» و مفاهیم معنوی باز می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق؛ قرشی، ۱۳۷۱)؛ اما در این پژوهش، تمرکز بر ابعاد جامعه‌شناختی و سیاسی این نهاد است. در ادبیات سیاسی ایران، «روحانیت» به گروه اجتماعی مشخصی اطلاق می‌شود که ویژگی‌های زیر را دارا است:

(۱) **تحصیلات تخصصی دینی:** اعضای این گروه، دانش‌آموختگان نظام آموزشی حوزه‌های علمیه هستند که در علوم اسلامی تخصص یافته‌اند.

(۲) **هویت صنفی و نمادین:** این گروه از طریق پوشش خاص (لباس روحانیت) و عناوینی چون «آخوند»، «فقیه» و «آیت‌الله»، دارای یک هویت صنفی متمایز و قابل‌شناسایی در جامعه هستند.

(۳) **کارویژه اجتماعی-سیاسی:** فراتر از نقش‌های سنتی مانند موعظه و تدریس، روحانیت (به‌ویژه در دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی)، کارویژه‌های مهمی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برعهده گرفته است. این نهاد در جهت «حفظ و توسعه آموزه‌های اسلامی و شیعی» (یعقوبی، ۱۳۹۱، ص ۷) فعالیت می‌کند و به‌عنوان یک گروه مرجع و نخبه سیاسی-دینی عمل می‌نماید.

در چارچوب این پژوهش، «روحانیت» نه صرفاً به‌عنوان یک قشر مذهبی، بلکه به مثابه یک کنشگر نهادی در نظر گرفته می‌شود. این نهاد به‌دلیل برخورداری از سرمایه نمادین (مرجعیت دینی) و سرمایه اجتماعی (شبکه مساجد و منابر)، از ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شکل‌دهی به گفتمان‌های سیاسی برخوردار است. بنابراین، هنگام تحلیل نقش روحانیت در اندیشه مقام معظم رهبری، این نهاد به‌عنوان یک عامل استراتژیک در فرآیند مهندسی فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نه صرفاً به‌عنوان گروهی از تحصیلکردگان علوم دینی. این رویکرد تحلیلی اجازه می‌دهد تا از تعاریف سنتی فراتر رفته و به واکاوی کارکردهای سیاسی و گفتمانی این نهاد پرداخته شود.

۳-۲. مفهوم پردازی «گفتمان» به مثابه ابزار مهندسی فرهنگی

مفهوم گفتمان در علوم سیاسی معاصر، از معنای لغوی خود به مثابه «سخن» یا «گفتار» فراتر رفته و به یک ابزار تحلیلی قدرتمند برای فهم رابطه میان زبان، قدرت و واقعیت اجتماعی تبدیل شده است. نظریه پردازانی چون میشل فوکو، گفتمان را نه صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت، بلکه سازنده آن می‌دانند. از این منظر، گفتمان‌ها چارچوب‌هایی از معنا هستند که مشخص می‌کنند چه چیزی را می‌توان به‌شیوه‌ای معقول اندیشید یا گفت. آنها با تعریف مفاهیم، تعیین مرزهای خودی و غیرخودی

و مشروعیت‌بخشی به برخی کنش‌ها و طرد کنش‌های دیگر، مستقیماً با «قدرت» گره خورده‌اند (نهادی فر، ۱۴۰۲، ص ۲۹). در تحلیلی کاربردی‌تر، نورمن فرکلاف گفتمان را به مثابه یک «عمل اجتماعی» در نظر می‌گیرد که همزمان در شکل‌دهی به «هویت‌های اجتماعی»، «روابط اجتماعی» و «نظام‌های دانش» نقش دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۸). بنابراین، گفتمان‌هایی مانند «گفتمان مقاومت» یا «گفتمان انقلاب اسلامی»، صرفاً مجموعه‌ای از شعارها نیستند؛ بلکه نظام‌های معنایی هستند که جهان‌بینی خاصی را ترویج کرده، کنشگران را هویت می‌بخشند و رفتارهای مشخصی را توجیه می‌کنند. در حالی‌که این پژوهش از این پیش‌زمینه نظری بهره می‌برد، تمرکز اصلی آن بر مفهوم عملیاتی گفتمان‌سازی در اندیشه مقام معظم رهبری است. در منظومه فکری ایشان، گفتمان‌سازی، یک فرآیند استراتژیک و هدفمند برای تبدیل یک مفهوم یا ارزش خاص به یک باور عمومی، فکر رایج و مطالبه همگانی است. برخلاف رویکردهای انتزاعی، ایشان گفتمان را نه یک ساختار پیچیده و نامرئی، بلکه محصول یک کنش ارادی و آگاهانه برای مهندسی فرهنگ سیاسی جامعه می‌دانند. این برداشت عملیاتی، به شکل قابل‌توجهی با ابعاد کلیدی نظریه‌های آکادمیک گفتمان هم‌سو است:

۱) عنصر قدرت: تأکید بر «ساختن» یک گفتمان، دقیقاً به همان عنصر قدرت و عاملیتی اشاره دارد که فوکو آن را محور تحلیل خود قرار می‌دهد.

۲) هژمونی و سلطه: هدف از تبدیل یک ایده به «باور عمومی»، مشابه تلاش برای دستیابی به «هژمونی» در نظریه گفتمان لاکلا و موفه است؛ یعنی وضعیتی که در آن، یک معنای خاص بر سایر معانی مسلط شده و به امری طبیعی و بدیهی بدل می‌شود.

۳) تأثیر اجتماعی: هدف نهایی، یعنی ایجاد «مطالبه عمومی»، نشان‌دهنده درک عمیقی از کارکرد اجتماعی گفتمان است که می‌تواند به بسیج سیاسی و جهت‌دهی به رفتار جامعه منجر شود. بنابراین، در این پژوهش، «گفتمان اخلاق سیاسی» به معنای پروژه هدفمند نهاد روحانیت برای ترویج و درونی‌سازی مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی در فرهنگ سیاسی جامعه ایران تعریف می‌شود؛ فرآیندی که هدف آن، تبدیل این هنجارها به یک مطالبه عمومی و یک چارچوب مسلط برای ارزیابی کنش‌های سیاسی است.

۴. بایسته‌های گفتمان‌سازی اخلاق سیاسی: عاملیت نهاد روحانیت

در اندیشه مقام معظم رهبری، فرآیند گفتمان‌سازی، امری انتزاعی نیست؛ بلکه نیازمند «عاملیت» و کنشگری هدفمند است. ایشان نهاد روحانیت را به عنوان کنشگر اصلی و پیشران در پروژه گفتمان‌سازی اخلاق سیاسی معرفی می‌کنند. موفقیت این پروژه، مستلزم تحقق مجموعه‌ای از

بایسته‌ها و الزامات است که روحانیت باید به آنها پایبند باشد. این بایسته‌ها را می‌توان در چهار کارویژه اصلی دسته‌بندی کرد که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند.

۴-۱. الگوسازی رفتاری: تجسم عملی اخلاق سیاسی

نخستین و بنیادین‌ترین بایسته برای روحانیت، تجسم عملی و رفتاری هنجارهایی است که قصد ترویج آن را دارند. از منظر مقام معظم رهبری، تأثیرگذاری گفتار، تابعی از اعتبار رفتار است. ایشان با استناد به اصل «کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۱۰)، تأکید می‌کنند که «جاذبه عمل» بسیار مؤثرتر از «فشار گفتار» است. در عرصه اخلاق سیاسی، به معنای آن است که روحانیت باید خود پیش از دیگران، به اصول اخلاقی مانند عدالت‌خواهی، ساده‌زیستی، بی‌اعتنایی به قدرت و ثروت، و تقوای سیاسی ملتزم باشد.

این التزام عملی، دو کارکرد استراتژیک دارد:

۱) اعتباربخشی به گفتمان: زمانی که مردم و نخبگان، همخوانی میان گفتار و کردار روحانیت را مشاهده کنند، پیام اخلاقی آنها از اعتبار و مشروعیت برخوردار می‌شود. در غیر این صورت، هرگونه تعارض میان سبک زندگی روحانیون و شعارهای اخلاقی‌شان، به سرعت گفتمان را بی‌اثر و حتی مضحکه می‌کند.

۲) ایجاد سرمایه نمادین: رفتار اخلاقی روحانیت، به‌ویژه در سطوح بالای مرجعیت، یک سرمایه نمادین تولید می‌کند که می‌تواند به‌عنوان یک الگوی رفتاری برای کل جامعه عمل کند. از این منظر، شکست روحانیت در پایبندی به زی اخلاقی، نه فقط یک شکست فردی، بلکه «شکست اسلام» تلقی می‌شود؛ زیرا این نهاد به‌عنوان نماینده و نماد دین در جامعه شناخته می‌شود (مقام معظم رهبری، بی‌تا، ص ۱۳۱).

۴-۱-۱. ترکیب علم، تقوا و بصیرت سیاسی

بایسته دوم، برخورداری روحانیت از یک شخصیت سه‌بعدی است که سه عنصر «علم»، «تقوا» و «بصیرت سیاسی» را به‌صورت یکپارچه در خود دارد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، هریک از این ابعاد به‌تنهایی ناکافی و حتی خطرناک است. علم بدون تقوا می‌تواند به «وزر و وبال» و ابزاری برای توجیه منافع شخصی تبدیل شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰). تقوا بدون علم به سطحی‌نگری و ناتوانی در تحلیل مسائل پیچیده منجر می‌شود. علم و تقوا بدون بصیرت سیاسی، خطرناک‌ترین حالت است. یک روحانی عالم و متقی که «زمان‌شناس» نباشد و نتواند «فضای جغرافیای سیاسی» و «نقاط تمرکز دشمن» را تشخیص دهد؛ ناخواسته در خدمت اهداف دشمن قرار می‌گیرد و به‌جای اصلاح، به انحراف دامن می‌زند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱).

بنابراین، روحانیت به‌عنوان راهبر گفتمان اخلاق سیاسی، باید توانایی تحلیل پیچیدگی‌های سیاسی روز را داشته باشد و بتواند هنجارهای اخلاقی را در بستر واقعیت‌های سیاسی موجود، به‌صورت عملیاتی و مؤثر به‌کار گیرد.

۴-۱-۲. جایگاه خواص و مسئولیت اصلاح جامعه

مقام معظم رهبری با استناد به حدیث نبوی «لا تصلح عوام هذه الامة الا بخواصها»، روحانیت را در کنار نخبگان فکری و سیاسی، جزو خواص جامعه طبقه‌بندی می‌کند. این جایگاه، مسئولیتی مضاعف بر دوش آنها می‌گذارد. «اصلاح عوام» در گرو «اصلاح خواص» است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲). این بدان معنا است که روحانیت نمی‌تواند صرفاً یک ناظر بیرونی باشد؛ بلکه باید به‌عنوان پیش‌قراول و پیش‌تاز (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، ص ۶۵)، مسئولیت اصلاح اخلاقی جامعه و به‌ویژه نخبگان حاکم را برعهده گیرد. این مسئولیت‌پذیری به‌دلیل آن است که هر کنش یا خطای روحانیت، به‌عنوان یک گروه مرجع، تأثیری جمعی و فراگیر دارد. اشتباه یک روحانی، «اشتباه یک نفر نیست، اشتباه جمعی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۵/۰۵)؛ زیرا کل جامعه به او به چشم یک الگو می‌نگرد و رفتار او را به حساب اسلام می‌گذارد. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، روشن می‌شود که نقش‌آفرینی روحانیت در گفتمان‌سازی اخلاق سیاسی، امری مشروط و مسئولیت‌آفرین است. این نهاد تنها زمانی می‌تواند در این عرصه موفق باشد که ابتدا الگوی زنده‌ای از اخلاق را در عمل به‌نمایش بگذارد. التزام به زئ اخلاقی، برخورداری از ترکیبی متوازن از دانش دینی، تقوای فردی و بصیرت سیاسی، و پذیرش مسئولیت پیشگامی در اصلاح جامعه، شروط بنیادین برای موفقیت این نهاد در راهبری گفتمان اخلاق سیاسی است. در غیاب این شروط، هر تلاشی برای ترویج اخلاق، به ضد خود تبدیل شده و به‌جای تقویت، بنیان‌های ارزشی جامعه را تضعیف خواهد کرد.

۴-۱-۳. روشنگری و جهاد تبیین: ابزار گفتمان‌سازی

پس از الگوسازی رفتاری، دومین بایسته کلیدی برای روحانیت، روشنگری و تبیین آموزه‌های اخلاق سیاسی است. از منظر مقام معظم رهبری، این وظیفه در امتداد رسالت تاریخی انبیاء قرار دارد که مأموریت اصلی آنها، «برداشتن پرده‌های جهل و نفاق» و آشکار ساختن حقیقت برای مردم بود (صلح میرزایی، ۱۴۰۰، ص ۸۹). روحانیت به‌عنوان «ورثه انبیاء»، این مسئولیت را در عصر حاضر برعهده دارد. این کارویژه را می‌توان در سه بُعد اصلی تحلیل کرد:

الف) هدف غایی تبیین: اقامه قسط و تحقق ارزش‌ها

در اندیشه مقام معظم رهبری، «تبیین» یک فعالیت، صرفاً آکادمیک و نظری نیست؛ بلکه یک کنش مبارزاتی و هدفمند است. همان‌طور که هدف نهایی بعثت پیامبران «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

(حدید، ۲۵)، یعنی برپایی عدالت اجتماعی بود، هدف از جهاد تبیین نیز صرفاً انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای تحقق عملی ارزش‌های اسلامی در جامعه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸). بنابراین، تبیین اخلاق سیاسی توسط روحانیت باید به گونه‌ای باشد که جامعه را برای مطالبه و اجرای عدالت، مبارزه با فساد و حاکمیت هنجارهای اخلاقی بسیج کند. این فرآیند، تبیین را از یک عمل فردی به یک «قیام لله» جمعی تبدیل می‌کند که می‌تواند در دوره‌های مختلف، آشکال علمی، فرهنگی یا سیاسی به خود بگیرد.

ب) محتوای تبیین: تمرکز بر گفتمان‌های حیاتی و انقلابی

روحانیت در مقام تبیین، باید بر موضوعات و گفتمان‌هایی تمرکز کند که برای هویت و پایداری نظام اسلامی حیاتی هستند. مقام معظم رهبری به صراحت از روحانیون می‌خواهد که گفتمان‌هایی مانند «سبک زندگی اسلامی»، «عدالت»، «حکمرانی اسلامی» و «مبارزه با طاغوت» را در جامعه ترویج کرده و نگذارند به فراموشی سپرده شوند (همان). این تأکید نشان می‌دهد که تبیین باید یک جهت‌گیری استراتژیک داشته باشد و منابع و انرژی خود را بر روی مسائل کلیدی متمرکز کند که بنیان‌های فکری و ارزشی جامعه را تقویت می‌کنند.

ج) الزامات روش‌شناختی تبیین: بی‌طرفی، بصیرت و مخاطب‌شناسی

موفقیت در امر تبیین، نیازمند رعایت اصول روش‌شناختی دقیقی است:

۱) **پرهیز از تعصبات جناحی:** روشنگری باید فارغ از «تعلقات جناحی و گروهی» و با هدف خالصانه بیان حقیقت صورت گیرد؛ تا بتواند اعتماد عمومی را جلب کند (صلح میرزایی، ۱۴۰۰، ص ۳۶۲).

۲) **بصیرت و اقتضائات زمانه:** تبیین مؤثر، نیازمند درک عمیق از «اقتضای زمان و مکان و شخصیت افراد» است (مقام معظم رهبری، بی‌تا، ص ۸۱۶). یک مبلغ باید بتواند محتوای خود را متناسب با نیازها و شبهات روز جامعه تنظیم کند و پاسخی درخور به چالش‌های جدید ارائه دهد.

۳) **مهارت و تحلیل:** تبیین موفق، صرفاً بازگویی متون نیست؛ بلکه نیازمند «علمیت»، «مهارت» و «توانایی تجزیه و تحلیل» است تا بتوان مفاهیم پیچیده را به صورت یک «گفتمان» قابل فهم و فراگیر برای عموم مردم درآورد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

در نتیجه، کارویژه تبیین در گفتمان‌سازی اخلاق سیاسی، یک فرآیند چندبُعدی است که نیازمند هدف‌گذاری استراتژیک، تمرکز بر محتوای حیاتی و پایبندی به روش‌های مؤثر و مخاطب‌شناسانه است. روحانیت تنها با تسلط بر این ابعاد می‌تواند از تبیین به عنوان ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی جامعه بهره‌برداری کند.

۴-۲. استقامت و تکرار هوشمند: استراتژی تثبیت گفتمان

سومین بایسته در فرآیند گفتمان‌سازی، استقامت و تکرار هوشمند است. از منظر مقام معظم رهبری، گفتمان‌ها در یک فضای خنثی شکل نمی‌گیرند؛ بلکه در یک میدان رقابت گفتمانی با گفتمان‌های رقیب، به‌ویژه «گفتمان ارتجاع به غرب»، در حال نزاع هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹). در چنین فضایی، صرفاً «بیان کردن» یک ایده کافی نیست؛ بلکه برای تبدیل آن به یک «فکر رایج» و «مطالبه عمومی»، نیازمند پایداری و تکرار استراتژیک است. این استراتژی دارای دو بُعد کلیدی است:

الف) کارکرد سیاسی تکرار: از آگاهی‌بخشی تا مطالبه‌گری

در اندیشه مقام معظم رهبری، تکرار یک مفهوم، یک فرآیند مکانیکی نیست؛ بلکه یک فرآیند سیاسی چندمرحله‌ای است که هدف نهایی آن، واداشتن ساختار قدرت به اقدام عملی است. مرحله اول، آماده‌سازی اذهان است. تکرار مداوم یک پیام توسط روحانیون و نخبگان، ذهنیت جامعه را آماده و حساس می‌کند. مرحله دوم، تبدیل به مطالبه عمومی است. زمانی که یک مفهوم به اندازه کافی در افکار عمومی تکرار شد، از سطح یک ایده به سطح یک مطالبه عمومی ارتقا می‌یابد. مرحله سوم، الزام‌آوری برای مسئولین است. شکل‌گیری مطالبه عمومی، یک فشار اجتماعی بر کارگزاران و مسئولین نظام وارد می‌کند و آنها را «ناچار به اقدام» می‌سازد (صلح میرزایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۹). بنابراین، «استقامت» در گفتمان‌سازی، ابزاری قدرتمند برای بسیج افکار عمومی و ایجاد یک اهرم فشار از پایین به بالا برای تحقق اهداف گفتمانی است.

ب) ماهیت تکرار: تکرار تبیین‌گر، نه تکرار کلیشه‌ای

مقام معظم رهبری، میان دو نوع تکرار تمایز قائل می‌شوند. ایشان هشدار می‌دهند که تکرار یک مفهوم نباید به‌صورت مکانیکی و طوطی‌وار باشد؛ زیرا این نوع تکرار نه تنها بی‌اثر است، بلکه می‌تواند به عادی‌انگاری و تهی شدن آن مفهوم از معنا منجر شود. برای مثال، صرفاً تکرار عبارت «اقتصاد مقاومتی» بدون ارائه تحلیل و مصداق، ارزش آن را از بین می‌برد (غفاری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷). تکرار مؤثر، تکرار تبیین‌گر است؛ یعنی تکراری که همواره با استدلال، توضیح، روشن‌گری و ارائه راه‌حل‌های عملی همراه باشد. به عبارت دیگر، هر تکرار باید لایه‌ای جدید از معنا را به مفهوم اضافه کند و آن را برای مخاطب ملموس‌تر و قابل‌فهم‌تر سازد. این همان ترکیبی از «تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها را راسخ کردن» است که می‌تواند به پیشرفت و تحقق عدالت منجر شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰). در نتیجه، روحانیت در مقام راهبری گفتمان، باید استقامت را با هوشمندی ترکیب کند. این نهاد موظف است با تکرار مداوم و در عین حال خلاقانه و تبیین‌گر، مفاهیم کلیدی

اخلاق سیاسی را در ذهن جامعه زنده نگه دارد؛ تا این مفاهیم به یک نیروی اجتماعی قدرتمند برای اصلاح و پیشرفت تبدیل شوند.

۴-۳. نظارت و ارشاد سیاسی: کارویژه امر به معروف و نهی از منکر

چهارمین بایسته برای روحانیت در فرآیند گفتمان‌سازی، ایفای نقش فعال در نظارت و ارشاد سیاسی است. این کارویژه، در واقع، تجلی سیاسی فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است که از منظر مقام معظم رهبری، یکی از وظایف بنیادین روحانیت به‌شمار می‌رود. این نقش نظارتی دارای دو سطح و یک ابزار اصلی است:

الف) دو سطح نظارت: از عموم جامعه تا نخبگان حاکم

نقش نظارتی روحانیت در دو سطح تعریف می‌شود:

۱) **سطح عمومی:** هدایت و ارشاد کلی جامعه برای حرکت در چارچوب ارزش‌های اسلامی و «در صحنه نگه‌داشتن» مردم برای دفاع از آرمان‌های انقلاب (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۷/۲۳). این سطح از نظارت، به تقویت بنیان‌های ارزشی جامعه و افزایش سرمایه اجتماعی نظام کمک می‌کند.

۲) **سطح خاص (نخبگان و کارگزاران):** این سطح که از حساسیت بیشتری برخوردار است، بر رصد و نظارت بر کنش‌های سیاسی مسئولان و نهادهای حکومتی تمرکز دارد. از آنجا که عملکرد کارگزاران، تأثیر مستقیمی بر سرنوشت جامعه و تصویر اسلام دارد، روحانیت موظف است در صورت مشاهده هرگونه «انحراف از مبانی و ارزش‌های اسلامی»، بلافاصله وارد عمل شده و با «تذکر» و «روشنگری»، جهت‌گیری‌های غلط را اصلاح کند. این نظارت شامل افراد، احزاب و سازمان‌ها می‌شود.

ب) منطق نظارت: از ارشاد تا تبیین حکم الهی

منطق حاکم بر این نظارت، نه مداخله در امور اجرایی، بلکه ارشاد و تبیین حکم خدا است. مقام معظم رهبری تأکید می‌کند که سیاستمداران و کارگزاران، اگر خود عالم به دین نیستند؛ باید در مسائل سیاسی به علمای دین مراجعه کرده و از آنها «ارشاد بخواهند» (همان). در این مدل، روحانیت به‌عنوان یک مرجع مشورتی و نظارتی عمل می‌کند که وظیفه آن، انطباق سیاست‌ها و رفتارها با اصول اسلامی است. این نقش، روحانیت را به‌مثابه وجدان بیدار جامعه و حافظ ارزش‌های بنیادین نظام معرفی می‌کند.

ج) ابزار اصلی نظارت: منبر به‌مثابه رسانه تبلیغی

ابزار اصلی روحانیت برای ایفای این نقش نظارتی، منبر و سایر رسانه‌های تبلیغی در اختیار این

نهاد است. مقام معظم رهبری، منبر را یک «رسانه تبلیغی بسیار نافذ و مؤثر» می‌دانند که روحانیون باید از آن برای رصد عملکرد مسئولان و بیان نقدهای سازنده استفاده کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۱/۲۳). این به معنای آن است که روحانیت باید از ظرفیت ارتباطی خود با توده‌های مردم برای ایجاد یک نظارت عمومی بر عملکرد حاکمیت بهره‌برداری کند و در موارد لزوم، با روشنگری از طریق منابر، به اصلاح کج‌روی‌ها کمک نماید.

در جمع‌بندی، کارویژه نظارت و ارشاد، روحانیت را از یک کنشگر صرفاً فرهنگی به یک کنشگر فعال سیاسی- اجتماعی تبدیل می‌کند. این نهاد با استفاده از ابزار امر به معروف و نهی از منکر و با بهره‌گیری از رسانه‌های سنتی خود، وظیفه دارد تا همواره به عنوان یک نیروی اصلاح‌گر و هدایت‌گر، سلامت اخلاقی فضای سیاسی جامعه را تضمین نماید.

۴-۴. پاسخگویی به نیازهای زمانه: از آسیب‌شناسی تا ارائه راه‌حل

آخرین بایسته بنیادین برای موفقیت گفتمان اخلاق سیاسی، پاسخگویی به نیازهای واقعی و ملموس جامعه است. از منظر مقام معظم رهبری، یک گفتمان تنها زمانی می‌تواند فراگیر و مؤثر شود که با مسائل، چالش‌ها و دغدغه‌های روزمره مردم پیوند خورده باشد. این کارویژه، روحانیت را از یک مُبلغ صرف به یک طبیب اجتماعی تبدیل می‌کند که دو وظیفه اصلی برعهده دارد:

الف) تشخیص بیماری: آسیب‌شناسی اخلاقی- سیاسی جامعه

اولین گام، آسیب‌شناسی دقیق فضای سیاسی و اجتماعی است. مقام معظم رهبری روحانیون، به‌ویژه ائمه جمعه را به مثابه «طیبی حاذق» توصیف می‌کنند که وظیفه دارند «بیماری» را به‌درستی تشخیص داده و سپس برای «علاج» آن اقدام کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰). این بدان معنا است که گفتمان اخلاق سیاسی نباید در خلأ و براساس مفاهیم انتزاعی شکل بگیرد؛ بلکه باید ناظر به رذایل و مشکلات مشخصی باشد که جامعه با آن درگیر است. برای مثال، اگر «اعتماد به دشمن» یا «دنیاگرایی مسئولان» به یک بیماری اخلاقی- سیاسی در جامعه تبدیل شده است، گفتمان روحانیت باید دقیقاً بر این نقاط متمرکز شده و با تبیین و استدلال، به مقابله با آن بپردازد. این رویکرد، مستلزم آن است که محتوای تبلیغی، «به‌روز» و «مورد نیاز مردم» باشد. طرح مباحث علمی قوی اما بی‌ارتباط با مسائل روز جامعه، فاقد فایده عملی است. «هنر بزرگ امام جمعه» و هر روحانی موفق، شناخت دقیق «احتیاج و سؤال مردم» و تمرکز بر همان‌ها است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۶/۲۸).

ب) تجویز درمان: ارائه راه‌حل‌های متناسب و کارآمد

پس از تشخیص بیماری، نوبت به ارائه راه‌حل می‌رسد. این راه‌حل‌ها نیز باید متناسب با شرایط و مخاطبان باشند:

۱) **تناسب با مخاطب:** زبان و ادبیات گفتمان باید با مخاطب هدف، هماهنگ باشد. سخن گفتن با یک دانشجو نیازمند ادبیات، منطق و شیوه‌ای متفاوت از گفت‌وگو با سایر اقشار جامعه است. این همان «به لسان قوم حرف زدن» است که به معنای درک جهان‌بینی و نیازهای فکری مخاطب و ارائه پیام در قالبی است که برای او قابل فهم و پذیرش باشد (صلح میرزایی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵).

۲) **تمرکز بر نیازهای استراتژیک:** در کنار مسائل روزمره، روحانیت باید به نیازهای استراتژیک جامعه نیز توجه کند. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مهم‌ترین نیازهای امروز کشور، تجهیز جوانان به سلاح نرم یعنی «قدرت روحی و فکری» برای مقابله با تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمن است. بنابراین، گفتمان روحانیت باید به ترویج معارفی بپردازد که این قدرت فکری را در نسل جوان تقویت کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).

در نهایت، گفتمان اخلاق سیاسی زمانی به یک نیروی اجتماعی مؤثر تبدیل می‌شود که از حالت یک مجموعه هنجار انتزاعی خارج شده و به یک پاسخ عملی به دردها و نیازهای واقعی جامعه تبدیل شود. روحانیت با ایفای نقش «طبيب اجتماعي»، می‌تواند این پیوند را میان آرمان‌های اخلاقی و واقعیت‌های اجتماعی برقرار کرده و گفتمان خود را به یک پروژه کارآمد و حیات‌بخش برای جامعه تبدیل کند.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل نقش روحانیت در شکل‌گیری گفتمان اخلاق سیاسی مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به این نتیجه دست یافت که از منظر ایشان، این فرآیند، یک پروژه استراتژیک و چندبعدی است که روحانیت به عنوان کنشگر محوری و پیشران آن عمل می‌کند. در حالی که ادبیات موجود، عمدتاً به تبیین هنجارهای اخلاقی یا تحلیل کلی گفتمان‌ها پرداخته است؛ این پژوهش با تمرکز بر عاملیت نهاد روحانیت، شکاف تحقیقاتی موجود را پر کرده و نشان داد که موفقیت این پروژه گفتمانی، منوط به ایفای مجموعه‌ای از کارویژه‌های به هم پیوسته است.

یافته‌های کلیدی این پژوهش را می‌توان در یک مدل چهار مرحله‌ای خلاصه کرد که هر مرحله، پیش‌نیاز مرحله بعدی است:

۱) **الگوسازی رفتاری:** سنگ بنای این فرآیند، تجسم عملی اخلاق توسط خود روحانیون است. التزام به زیّ اخلاقی، به گفتمان اعتبار می‌بخشد و سرمایه نمادین لازم برای تأثیرگذاری را فراهم می‌کند.

۲) **تبیین و روشنگری:** با تکیه بر اعتبار حاصل از عمل، روحانیت موظف است از طریق «جهاد تبیین»، آموزه‌های اخلاقی را به صورت مستدل و متناسب با نیازهای زمانه، در جامعه ترویج کند.

۳) **استقامت و نظارت:** این گفتمان باید از طریق «تکرار هوشمند» در برابر گفتمان‌های رقیب، تثبیت شود و همزمان، روحانیت با ایفای نقش «نظارت و ارشاد سیاسی» (امر به معروف و نهی از منکر)، سلامت اخلاقی فضای سیاسی را رصد و اصلاح کند.

۴) **پاسخگویی به نیازها:** در نهایت، این گفتمان تنها زمانی پایدار و کارآمد خواهد بود که به‌مثابه یک «پاسخ عملی» به چالش‌ها و نیازهای واقعی جامعه عمل کرده و از یک مفهوم انتزاعی به یک پروژه حیات‌بخش برای حل مسائل تبدیل شود.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه مقام معظم رهبری، روحانیت صرفاً یک واعظ اخلاقی نیست؛ بلکه یک مهندس فرهنگی و سیاسی است که مسئولیت خطیر برساختن، ترویج و تثبیت گفتمان اخلاق سیاسی را برعهده دارد. موفقیت یا شکست این نهاد در ایفای این نقش، تأثیری مستقیم بر مشروعیت، کارآمدی و پایداری اخلاقی نظام سیاسی در جامعه اسلامی خواهد داشت. این تحلیل، دریچه‌ای نو برای فهم پویایی‌های رابطه میان نهاد دین، اخلاق و قدرت در ایران معاصر می‌گشاید و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی در زمینه کارآمدی و چالش‌های این مدل گفتمانی باشد.

منابع

قرآن کریم.

- بابایی، احسان (۱۳۹۴). *بایسته‌های اخلاق سیاسی از منظر مقام معظم رهبری*. قم: نشر معارف.
- بهریزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲). *اخلاق سیاستمداری*. قم: نشر معارف.
- توحیدیان، سارا (۱۳۸۹). *بررسی آموزه‌های اخلاق سیاسی در صحیفه سجادیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۷/۰۲). *بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3196>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲/۰۵/۰۵). *بیانات در جمع علما و روحانیون تبریز*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4010>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۱۲/۰۹). *بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۲/۱۱). *بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3279>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). *ره‌رهور رهبر*. قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۲/۱۸). *بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42475>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۰). *بیانات در دیدار علما، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17789>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۰۱/۲۳). *بیانات در دیدار علما و روحانیون و مبلغان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2940>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۰۷/۲۳). *بیانات در دیدار اعضای مجمع علمای اهل تسنن و تشیع افغانستان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11167>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۲/۲۳). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41994>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۱/۲۶). *بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (ع)*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44919>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲/۰۶/۲۸). *بیانات در نهمین گردهمایی سراسری انمه جمعه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4127>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۶/۳۰). *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37721>
- خامنه‌ای، سید علی (بی‌تا). *حوزه و روحانیت*. قم: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- شریفی، عباس (۱۳۹۰). *اخلاق سیاسی در قرآن و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشکده معارف قرآنی.

- صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). *جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*. قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- غفاری، مصطفی (۱۳۹۸). *از نیمه خرداد*. قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، ج ۳.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۶۷.
- مستوفی، حسین (۱۳۹۸). *اخلاق و سیاست در گفتمان اخلاق سیاسی امام خمینی*. قابل دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n148667>
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۴). *اخلاق سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی*. علوم سیاسی، ۱۸(۷۰)، ص ۵۵-۹۳.
- نهادوندی، محمد (۱۴۰۲). *چالش‌های گفتمان مقاومت در عرصه بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم(ع).
- یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۹۱). *معناشناسی واژه روحانیت*. معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۲.